



۲۴

مَدِ طَرِ

سطر سطر زندگی با آیه ها



مسابقه شماره ۲۴ / پنجشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۳

سُطَر بَیست و چہارم

استقامت در جامعۀ ولای

جزء ۲۴

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ
أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ

فصلت، آیه ۳۰

● چقدر تحمل سختی‌ها، مشکلات و ناملايمات را داری؟

● فايده کوچ کردن را می‌دانی؟

● تا بحال کوچ کردی؟



إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
 الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي
 كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣١﴾ نَحْنُ أَوْلِيَآؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا
 مَا تَدْعُونَ ﴿٣٢﴾ نَزْلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ﴿٣٣﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا
 مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ
 ﴿٣٤﴾ وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
 فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٥﴾ وَمَا يُلْقِيهَا
 إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُوحَضِّ عَظِيمٌ ﴿٣٦﴾ وَإِذَا
 يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
 ﴿٣٧﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا
 لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ
 إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٨﴾ فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ
 رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٩﴾



مفاتيح



قرآنت تحقیق



﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا﴾ کسانی که گفتند پروردگار ما الله است [و فهمیدند همهٔ امورشان "فقط" به دست خدا باید مدیریت بشود] و سپس بر این حرف و عملشان استقامت کردند [و با وجود سختی‌های فراوان این مسیر، آن را رها نکردند،] ﴿تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ﴾ قطعاً ملائکه به صورت پیوسته و مداوم بر آنها نازل می‌شوند ﴿أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا﴾ [تا به قلب آنها الهام کنند که] از آینده نترسید و برای گذشته ناراحت نباشید! ﴿وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ و این مژده بر شما باد که سرانجام به بهشت خواهید رفت؛ همان بهشتی که به آن وعده داده می‌شدید. [این سرانجام را از یاد نبرید تا بتوانید پایمردی کنید].





به فصل بهار دیده‌ای که با بارش باران بهاری، گل‌ها و سبزه‌ها، چه حیات، چه نشاط و چه خرمی و چه طراوتی پیدا می‌کنند و البته هرچه دارند از رهگذر استقامت، صبوری، پایداری و بردباری است که در پاییز و زمستان از خود نشان داده‌اند!

حال قرآن کریم می‌گوید: فرشته‌ها مثل همان باران بهاری بر گل‌ها، که همان خوبان عالمند، در آستانهٔ مرگ اینگونه می‌بارند، همان خوبانی که هرچه دارند از رهگذر پایداری و پایمردی است. یعنی گفتند: خدا، و دست از او برنداشتند، حتی در آن اوقات و ایامی که ریشخند دیگران می‌شدند، هرگز نام خدا و یاد خدا از زبان و ذهن و زندگی و ضمیر آنان دور نشد و با همهٔ سردی‌ها و با همهٔ سختی‌ها، راه خدا را پیش گرفتند و پی گرفتند.

و همان‌طور که به دنبال هر پاییز و زمستانی، بهار و تابستانی است، بهار و تابستان آن‌ها هم فراخواهد رسید؛ یعنی کسانی که گفتند صاحب اختیار ما و اختیاردار ما، خداست و پای این حرف هم پایمردی کردند و ایستادند، فرشتگان حق در آستانهٔ مرگ بر آنان فرود خواهند آمد. بهار آن‌ها آستانهٔ مرگ و احتضار است، درست همان وقتی که برای بسیاری فصل پاییز و خزان است.





یکی از آن دو شرط [پیروزی]، ایمان است، اعتقادی از روی آگاهی است، باوری است همراه با تعهدپذیری، قبولی همراه با تلاش و حرکت. این شرط اول. شرط دوم صبر [است]. صبر یعنی چه؟ یعنی مقاومت، از میدان درنرفتن، کار را در لحظه حساس و خطرناک رها نکردن. هر جا شما در طول تاریخ نبوت‌ها می‌بینید یک پیغمبری شکست خورده از طاغوت زمان، برای خاطر این بوده که پیروانش، اطرافیان‌ش، ایمان کافی یا صبر کافی نداشتند.^۱

مسئله هجرت مربوط می‌شود به مسئله ولایت، با آن وسعتی که مسئله ولایت را ما اینجا مطرح کردیم.^۲ اگر پذیرفتیم که می‌باید انسان همه نیروهایش، همه نشاط‌های جسمی و فکری و روانی او، با اراده ولی الهی و والی من قبل الله به کار بیفتد و خلاصه، انسان باید با جمیع عناصر وجودش بنده خدا باشد، نه بنده طاغوت؛ اگر این مطالب را ما قبول داریم و می‌پذیریم، پس ناچار، این را هم باید قبول کنیم که اگر یک جایی وجود ما و هستی ما و همه نیروها و نشاط‌های ما تحت فرمان ولایت الهی نبود، بلکه تحت فرمان ولایت طاغوتی و شیطانی بود، تعهد الهی ما این است که ما خودمان را از قیدوبند ولایت طاغوت رها کنیم، نجات بدهیم، آزاد کنیم و برویم تحت سایه پریمیمنت ولایت الله. خارج شدن از آن

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۲۰، ص ۵۸۱.

۲. همان، جلسه ۲۸، ص ۷۹۳.



ولایت ظالم و وارد شدن به آن ولایت عادل، اسمش هجرت است. می‌بینید که مسئلهٔ هجرت، یکی از مسائلی است که در دنبالهٔ ولایت مطرح است.^۱

در مکه، بیچاره نمازش را به زور می‌خواند، اگر خیلی جدّت می‌کرد، در مسجد الحرام دو رکعت نماز می‌خواند، بعد هم مفصل کتک نوشِ جان می‌کرد! دیگر نهایتِ مسلمانی این بود، نه بیشتر از این. بعد که هجرت کرد، آمد به سرزمین آزاد، به هوای آزاد، به جامعهٔ اسلامی، به تحت ولایت الله و رسول الله، دید عجب جایی است اینجا! اینجا با آیهٔ قرآن و تقوا و عبادت، مرتبهٔ افراد مشخص و معلوم می‌شود. هر که بیشتر برای خدا جهاد بکند، او عزیزتر است در این جامعه.^۲

پاصدای استاد سیدعلی خامنه‌ای بشنوید...



۱. همان، جلسهٔ ۲۸، ص ۷۹۴.

۲. همان، جلسهٔ ۲۸، ص ۸۱۶.

خلاصه فصل



نگاهی به فصل ولایت و هم جبهگی

بحث ولایت در ادامه بحث نبوت و تتمه و ذیل همان بحث است. ولایت همان چیزی است که اگر یک فرد یا جامعه‌ای به آن ملتزم نباشد، اگرچه همه عمر مشغول نماز و روزه باشد و همه اموالش را هم صدقه بدهد، باز هم لایق رحمت و غفران الهی نخواهد شد. ولایت در ادبیات قرآنی به معنای به هم پیوستگی، هم جبهگی و اتصال شدید یک عده انسان است که دارای یک هدف و فکر واحد هستند. پیغمبر برای پیشبرد اهدافش یک جبهه واحد درست می‌کند، جبهه‌ای که اعضایش همچون یک گروه کوهنوردی دست در دست هم و دوشادوش یکدیگر و کاملاً به هم وابسته و متصل هستند. رمز بقا و پیروزی این جبهه، همین پیوستگی شدید آنان است. پس معنای ولایت، از یک سو، اتحاد و پیوستگی شدید در داخل جبهه مؤمنین است و از سوی دیگر، قطع پیوستگی و هم جبهگی با دشمنان و معارضان می‌باشد. پذیرش ولایت، مودّت و محبت طاغوت، بشدّت توسط انبیای الهی نهی شده است زیرا این کار سبب نابودی جمع و جامعه مؤمنین می‌شود. البته متأسفانه کسانی در داخل جامعه اسلامی هستند که دائماً دنبال پذیرش ولایت کفار، برقراری ارتباط و دوستی با آنان می‌باشند؛ این انسان‌های بیمار دل، ضربات مهلکی به جامعه اسلامی وارد کرده‌اند.



این ارتباط و به هم پیوستگی صرفاً بین مؤمنین وجود ندارد، رابطه مردم با ولی الهی و حاکم جامعه اسلامی نیز با همان پیوستگی و اتصال شدید است. حاکم جامعه اسلامی همچون جباران و حاکمان طاغوتی عالم نیست که حکومتش در پی استضعاف مردم باشد. ولی الهی، الهام بخش و رشد دهنده استعدادهاى نهفته توده مردم است. اوست که یاد خدا را توسعه می دهد، ثروت ها را عادلانه تقسیم می کند، نیکی ها را اشاعه و از بدی ها جلوگیری می کند.

مردم باید با این ولی الهی ارتباط، اتصال و پیوستگی شدید داشته باشند و از او به عنوان عقل منور و مرکز فرماندهی جامعه تبعیت و اطاعت نمایند.

این تبعیت و اطاعت نیازمند ابزارهایی است که هجرت یکی از مهم ترین ابزارهای تحقق ولایت می باشد. به واسطه هجرت، هر فرد مؤمن، پیوندهای خودش را با جامعه طاغوتی قطع می کند و پیوندهای جدیدی با مؤمنین و ولی الهی برقرار می کند.

نهایتاً پیروزی و فتح کامل انبیا، نیاز به استقامت فرد و جامعه اسلامی دارد. آنچه سبب استقامت در جامعه می شود، همین عنصر ولایت است. غلبه بر سختی ها، دشمنی ها، کینه توزی ها، مشکلات اقتصادی و غیره امکان پذیر نمی باشد مگر با هم بستگی و تعامل برادرانه همه عناصر یک جامعه ایمانی.

